

فواید و فضایل علم آموزی در کلام پیامبر اسلام و حضرت علی

<?xml encoding="UTF-8">

اشاره

همچنان که قرآن، این کتاب آسمانی جاودانه و معجزه پیامبر گرامی اسلام، دستورالعمل نهایی خدا برای بندگان است و هیچ گونه خطایی در آن راه ندارد، رفتار و سخنان گران مایه دریافت کننده وحی حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - نیز پیام جاودانه انسان سازی است و بنا بر نص قرآن و سنت، دور از لغزش است و همچنین است رفتار و گفتار خاندان پاکش و اینک حدیثی از آن حضرت و روایت هایی از حضرت امیرمؤمنان علی (ع) با شرح دو تن از عالمان شیعه در فواید علم آموزی می آوریم:

فضایل دانش در کلام پیامبر اسلام (ص)

«الْعِلْمُ خَلِيلُ الْمُؤْمِنِ؛ علم دوست مؤمن است».

[شرح:] علم زینتی است شریف در ذات انسانی و جوهری لطیف است از فیض ربّانی. عزّت علما دلیل عزّت علم است و فی الواقع علم خود عزیز است، هر که مظهر او واقع شد به تبعیت او عزیز باشد:

بیاموز علمی که گردی عزیز

که بی دانش انسان نیرزد پیشیز

هیچ عزّت و رّای [1] دانش نیست

دانش آموز تا کسی باشی

ای عزیز! علم قال [2] دیگر است و علم حال دیگر، علمی که برای جدال باشد، در آخرت موجب وبال باشد و علمی که برای عمل بُود، وسیله وصول به فیض ازل بُود. چه زیبا گفته است:

قیل و قالت کار ناید هیچ روی

معرفت حاصل کن ای بسیار گوی

علم صورت، پیشه آب و گل است

علم معنی، رهبر جان و دل است

گنج پنهان است، علم معنوی

پیش از آنکه چون ز خود بیرون شوی [3]

ستایش دانش در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام

و اینک جمله های کوتاه و حکیمانه از امیر بیان، علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان علیه السلام در ستایش دانش و در بیان فواید آموختن آن با ترجمه و شرح آقا جمال خوانساری:

التَّوَّاضَعُ ثَمَرَةُ الْعِلْمِ؛ فروتنی کردن با خدای - عَزَّوَجَلَّ - و خلق میوه دانش است.

الْعِلْمُ كَنْزٌ؛ دانش گنج است.

الْعِلْمُ دَلِيلٌ؛ دانش راهنماست [به حق].

الْعِلْمُ يَنْجِيكَ، الْجَهْلُ يَزِيدُكَ؛ دانش، تو را رستگار می سازد و نادانی [تو را] تباه می گرداند.

الْعِلْمُ جَلَالَةٌ، الْجَهْلُ ضَلَالَةٌ؛ دانایی، بزرگی است و نادانی، گمراهی.

الْعِلْمُ حَيَاةٌ، الْإِيمَانُ نَجَاةٌ؛ دانش زندگی است و ایمان رستگاری.

الْعِلْمُ أَعْلَى قَوْرٍ؛ دانش برترین فیروزی [4] است [به مراتب عالیه و مدارج متعالیه].

الْعِلْمُ أَفْضَلُ قَنِيَةٍ؛ علم برترین چیزی است که کسی کسب کند.

الْعِلْمُ نِعْمَ دَلِيلٌ؛ علم، نیکو راهنمایی است [به سعادت و نیک بختی].

الْعِلْمُ جَمَالٌ لَا يَخْفَى؛ دانش جمالی است که پوشیده نیست.

الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ لَا يَفْنَى؛ علم گنج عظیمی است که نیستی و تمام شدن نمی پذیرد.

الْعِلْمُ مُحْيِي النُّفُوسِ وَ مُنِيرُ الْعُقُلِ وَ مُمِيتُ الْجَهْلِ؛ علم زنده کننده نفس است و روشن کننده عقل و میراننده جهل.

الْعِلْمُ أَكْثَرُ مَنْ أَنْ يَحَاطَ بِهِ فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ؛ علم بیشتر است از اینکه احاطه به آن توان کرد و تمام آن را فراگرفت. پس، از هر علمی نیکوتر آن را فراگیرید.

الْعِلْمُ يَرْشِدُكَ وَ الْعَمَلُ يَبْلُغُ بِكَ الْغَايَةَ؛ علم، تو را راه می نماید و عمل، تو را به منتهای مطلب می رساند.

أَطْلُبُوا الْعِلْمَ تَرَشَّدُوا؛ علم را طلب کنید تا راه راست و درست یابید.

اِكْتَسَبُوا الْعِلْمَ يَكْسِبْكُمْ الْحَيَاةَ؛ علم را کسب کنید تا برای شما زندگی [معنوی در دنیا و آخرت] را کسب کند.

أَشْرَفُ الْعِلْمِ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ؛ برترین علم آن است که در اعضاء و جوانب بدن آشکار شود [؛ یعنی به آن عمل شود].

الزَّمُ الْعِلْمِ بِكَ مَا دَلَّ عَلَى صَلَاحِ دِينِكَ وَ أَبَانَ لَكَ عَنْ فَسَادِهِ؛ لازم ترین علم به تو آن است که تو را بر درستی دین تو راه نماید و جدا کند برای تو فساد و تباهی آن را (- لازم تر علم برای تو علمی است که تو را راه نماید که دین درست کدام است و دین فاسد کدام).

الْفَهْمُ آيَةُ الْعِلْمِ؛ دریافت، نشانه علم است.

[شرح:] یعنی عالم کسی باشد که معانی را فهمد و دریابد، نه آنکه عبارت را یاد گرفته باشد و معانی آن را نفهمد؛ چنان که جمعی آیات و احادیث بسیار در خاطر دارند، اما معانی آنها را نمی فهمند؛ یا مراد این است که عالم کسی باشد که چیزها را خوب دریافت کند و به ته آنها برسد، نه آن که چیزی چند، از معلمی بشنود و همان را حفظ کند بی آنکه غور کند و کنه آن را دریابد.

الْعِلْمُ أَعْظَمُ كَنْزٍ؛ دانش بزرگ ترین گنج است.

[شرح:] زیرا که گنجی است که به خرج کردن تمام نشود، بلکه اگر زیاد نشود نقصان نپذیرد و به غیر از آن (علم) گنجی چنین نتوان یافت.

الْعِلْمُ جِبَابٌ مِنَ الْآفَاتِ؛ علم، منع کننده از آفت ها است.

[شرح:] یعنی آفت های اخروی و بسیاری از [آفت های] دنیوی نیز.

الْعِلْمُ لِقَاحُ الْمَعْرِفَةِ؛ علم، آبستنی معرفت است.

[شرح:] ظاهر این است که مراد به معرفت، معرفت حق تعالی است و یا مراد این باشد که: علم آبستنی معرفت است و شناخت حق تعالی به آن حاصل شود، نه به تقلید یا مراد این باشد که علمی به کار آید که سبب شناختن حق تعالی باشد.

اَلْعِلْمُ دَاعِي الْفَهْم؛ علم دعوت کننده فهم است.

[شرح:] یعنی هر که را دانشی باشد و لذت آن را دریافته باشد، علم، او را به فهم و علم دیگر خواند، و همچنین چون علوم را نهایی نباشد، پس عالم همیشه به تحصیل علم مشغول است، چنانکه در بعضی احادیث وارد شده که دو حریص اند که سیر نمی شوند؛ یکی طالب دنیا و دیگری طالب علم.

اَلْعَالِمُ حَيٌّ وَ اِنْ كَانَ مَيِّتًا؛ عالم زنده است، اگرچه مرده باشد.

[شرح:] یا به اعتبار اینکه غایت قصوای زندگی علم و معرفت است و هر گاه آن را تحصیل کرده باشد، پس او در نظر حقیقت همیشه زنده است و موت ظاهری که مفارقت چند روزه بدن باشد، منافات با حیات حقیقی ندارد با آنکه مدت آن نسبت به حیات جاوید که خواهد یافت، قدر و مقداری ندارد که به حساب آید.

اَلْعِلْمُ كَثِيرٌ وَ الْعَمَلُ قَلِيلٌ؛ علم بسیار است و عمل کم.

[شرح:] و غرض این است که علم با عمل کم است و علمی به کار آید که با عمل باشد و علم بی عمل به کار نیاید؛ بلکه باعث زیادت و وبال گردد؛ چنان که عقل و نقل به آن حاکم است.

اَلْعَالِمُ يَنْظُرُ بِقَلْبِهِ وَ خَاطِرِهِ، اَلْجَاهِلُ يَنْظُرُ بِعَيْنِهِ وَ نَاضِرِهِ؛ عالم به دل خود و خاطر خود نگاه می کند و جاهل به چشم و مردمک خود.

[شرح:] یعنی عالم در چیزها به دل و ضمیر خود تفکر و تدبّر می کند در آنها برای استنباط حقایق و معارف از آنها و عبرت گرفتن از آنچه سبب عبرت تواند شد، و جاهل نگاه او، همین نگاه به چشم و مردمک است و تأمل و تفکّر و استنباط [5] معرفتی، یا عبرتی برای او نیست.

اَلْعَالِمُ، الَّذِي لَا يَمْلُ مِنْ تَعَلُّمِ الْعِلْمِ؛ عالم آن کسی است که ملول و دلتنگ از آموختن علم نشود.

[شرح:] یعنی با وجود علم که دارد باز سعی کند در آموختن علوم دیگر که نداند و مشعوف [6] باشد به آن و ملالتی از آن حاصل نشود. [7]

پی نوشت ها :

[1] . وراء: غير از.

[2] . علم قال: علمی که همراه با گفت و گوهایی باشد که به جدال منجر می شوند.

[3] . کمال الدین حسین بیهقی سبزواری، الرسالة العلیه فی الاحادیث النبویه، تحقیق: سید جلال الدین حسین ارموی (محدث)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1361، صص 131 - 133.

[4] . فیروزی: پیروزی، کامیابی.

[5] . استنباط: آشکار ساختن، ابتکار.

[6] . مشعوف: دل داده، شیفته.

[7] . آقا جمال الدین محمد خوانساری، شرح غرر الحکم (جملات کوتاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام)، تحقیق: میر جلال الدین حسین ارموی، انتشارات: دانشگاه تهران، ج 1 و 2 [صفحات مختلف].